

هشداردهی: کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیش‌گیری از غافل‌گیری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۰

ابراهیم حاجیانی*

چکیده

هدف اصلی از تحلیل‌های امنیتی - اطلاعاتی، آینده‌نگری و هشداردهی نسبت به رویدادها و وقایع در آینده است تا از بروز بحران‌ها، غافل‌گیری‌ها و شکست‌های امنیتی جلوگیری شود. مهمترین ادعای این نوشتار آن است که اتخاذ رویکرد آینده‌نگرانه و ایجاد نظام هشداردهی مناسب، می‌تواند منجر به تقویت نقش سرویس‌های اطلاعاتی در تولید پیش‌آگاهی نسبت به وقایع شده و از وقوع وضعیت‌های غافل‌گیرانه بکاهد. نظام هشداردهی نیز باید مبتنی بر تعیین احتمالات، تأثیرات هر احتمال و رتبه‌بندی احتمالات باشد. در این صورت، تحلیل اطلاعاتی می‌تواند به انجام وظایف اصلی و ذاتی نزدیک شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل اطلاعاتی، مطالعات آینده، پیش‌بینی، هشدار، غافل‌گیری، شکست اطلاعاتی، نظام هشداردهی.

ehajiani@yahoo.com

* دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال چهاردهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۰ • شماره مسلسل ۵۳

مقدمه

اندیشمندان بزرگ، به درستی دنیای امروز را عصر مخاطره نام نهاده‌اند و معتقدند عنصر مخاطره، ویژگی مهم زندگی در دنیای مدرن است. از این رو، مهمترین کارکرد نهادهای امنیتی - اطلاعاتی در دوران کنونی، آینده‌نگری، پیش‌بینی^۱ و ممانعت از بروز و ظهور و عینیت‌یافتن بحران‌ها و تهدیدات (بالقوه) علیه امنیت ملی، ثبات سیاسی^۲ و اخلال در نظم اجتماعی^۳ است. در واقع، انتظار اصلی نهادهای تصمیم‌گیر و افکار عمومی از نهادهای امنیتی آن است که از بروز بحران‌های امنیتی غافل‌گیرکننده جلوگیری نموده و بر رویدادها^۴ و روندهای نوظهور پیشی بگیرند. بر این اساس، در هنگام تأمل در خصوص کارکردهای اساسی تحلیل‌های اطلاعاتی - امنیتی، با چند مفهوم روبه‌رو می‌شویم که تدقیق درباره مضمون و نیز نسبت و روابط میان آنها ضرورت دارد که از آن جمله‌اند: تحلیل اطلاعاتی، آینده‌نگری، غافل‌گیری^۵، هشداردهی^۶ و بحران‌های امنیتی. بر این اساس، پرسش‌های اصلی نوشتار حاضر عبارتند از:

۱. فرایند تحلیل اطلاعاتی چیست و جایگاه آینده‌نگری در آن چگونه است؟
 ۲. نسبت و رابطه غافل‌گیری، بحران‌های امنیتی و نظام هشداردهی در تحلیل اطلاعاتی چگونه است؟
 ۳. تحلیل اطلاعاتی چگونه از غافل‌گیری پیش‌گیری می‌کند؟
 ۴. اصول و ملاحظات اساسی در طراحی نظام هشداردهی برای پیش‌گیری از غافل‌گیری کدام‌اند؟
- رویکرد حاکم بر این مقاله نیز آن است که غافل‌گیری، ویژگی ذاتی بحران‌های امنیتی است و آینده‌نگری در خصوص بروز رویدادهای غافل‌گیرکننده، قلب فعالیت‌های تحلیل و هدف اصلی آن است، به این معنی که هرچه تحلیل‌های اطلاعاتی به سمت پیش‌بینی‌های دقیق‌تر و

1. prediction
 2. political instability
 3. social order
 4. events
 5. surprise
 6. warning

حرفه‌ای‌تر حرکت کنند، به همان میزان، امکان عینیت‌یافتن غافل‌گیری‌ها کاهش می‌یابد و از فراوانی و شدت بحران‌های ضد امنیتی کاسته می‌شود و این مهم از طریق طراحی نظام هشداردهی ممکن است. در واقع، فرضیه این مقاله آن است که هشداردهی مهمترین کارکرد تحلیل اطلاعاتی است که منجر به کاهش شدت و پیش‌گیری از غافل‌گیری می‌شود.

آنچه این نوشتار را از سایر آثار در حوزه تحلیل‌های اطلاعاتی متمایز می‌کند، تأکید آن بر هشداردهی به جای پیش‌بینی رویدادهاست. پیش‌بینی به مفهوم شناخت پیشینی قطعی یا نسبتاً قطعی در مورد وقایع آتی در جهان پدیده‌های اجتماعی که موضوع مطالعه و کنش سازمان‌های اطلاعاتی است، به تحقیق امری بعید است. از سوی دیگر، در صورتی که پیش‌بینی ارائه‌شده به خطا برود (که احتمال آن در سپهر موضوعات اطلاعاتی اندک نیست)، ممکن است به تقابل میان سیاست‌گذاران و مدیران اطلاعاتی بیانجامد و در نهایت، منجر به بی‌اعتمادی مفرط مشتریان به محصولات اطلاعاتی و بی‌انگیزگی تحلیل‌گران اطلاعاتی گردد. در مقابل، هشداردهی آینده‌پژوهانه، به معنای شناسایی شاخص‌های احتمالی وقوع هر پدیده و بیان احتمال آن، پیشاپیش از پیش‌بینی قطعی سرباز می‌زند و در نتیجه، تبعات آن را نیز به دنبال نخواهد داشت.

الف. چارچوب نظری

این مقاله، به لحاظ نظری، تبیین نسبت تحلیلی / عملیاتی سه مفهوم کلیدی مطالعات اطلاعاتی، یعنی «تحلیل اطلاعاتی»، «غافل‌گیری» و «هشداردهی» را مبنای پردازش فرضیه خود قرار داده است. علاوه بر این، به لحاظ مجاورت مفهومی اصطلاح غافل‌گیری با مفهوم «شکست اطلاعاتی»، در این بخش، به تبیین این چهار مفهوم و نسبت آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

۱. تحلیل اطلاعاتی

تمامی تلاش‌های اطلاعاتی در نگاه نظامی-امنیتی، در محصولات تحلیلی و برآوردهای آن متبلور می‌شود. در واقع، تحلیل اطلاعاتی^۱ نقطه اتصال نظام اطلاعاتی و مشتریان آن، یعنی نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیرندگان است. این بدان دلیل است که هدف اصلی تأسیس و فعالیت نهادهای اطلاعاتی، خدمت‌رسانی^۲ به تصمیم‌گیرندگان ارشد و مصرف‌کنندگان محصولات اطلاعاتی است (لوونتال، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۵) و این مهم، از طریق ارائه محصولات تحلیلی و گزارشات اطلاعاتی امکان‌پذیر خواهد شد. مهم‌ترین عرصه تبلور فعالیت‌های سرویس اطلاعاتی، تبیین‌ها و تحلیل‌هایی است که تصمیم‌گیرندگان را در خصوص گزینه‌های پیش رو و منافع و مضار هر کدام از آنها یاری می‌رساند. از لحاظ مفهومی می‌توان گفت تحلیل، در اینجا و در معنای حداقلی آن، به معنای تبدیل داده‌ها^۳، شواهد یا اخبار به اطلاعات و به طور مشخص، دانش^۴ است که طی آن، داده‌های اولیه ارزیابی شده و پس از تعیین صحت و سقم و اعتبارسنجی آن، تبدیل به اطلاعات قابل اطمینان می‌شود. در عین حال، در معنای وسیع‌تر، تحلیل اطلاعات به معنای ایجاد روابط میان داده‌های به ظاهر پراکنده، ایجاد انسجام و ترکیب^۵ میان اطلاعات جمع‌آوری شده و کشف معنای تلویحی اطلاعات، به منظور تولید دانش و نائل آمدن به موقعیت اشراف اطلاعاتی^۶ است. بنابراین، هدف نهائی از تحلیل اطلاعاتی، پیش‌آگاهی از روند آینده پدیده تحت بررسی (مطالعه) است. برای رسیدن به موقعیت اشراف اطلاعاتی یا همان آینده‌نگری، فرایندی بایستی طی شود که مبتنی بر مراحل زیر است:

۱. ارزیابی^۷ داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده.

۲. ترکیب داده‌ها و انسجام‌بخشی^۸ به آنها.

-
- 1 . Intelligence Analysis
 2. Service
 3. Data
 - 4 . Knowledge
 5. Fusion
 6. Awareness Situation
 7. Evaluation
 8. Integrating

۳. برآورد^۱ و بیان وضع موجود (توصیف جامع).
۴. تبیین یا تعلیل^۲ بر مبنای تشریح و بیان علل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده تحت بررسی. بررسی.
۵. آینده‌نگری^۳، به معنای پیش‌بینی روند آتی پدیده.
۶. هشداردهی^۴، به معنای طراحی نظام منسجم از علائم وقوع شرایط جدید در آینده و ثبت منظم شواهد.
۷. گزارش‌دهی و توزیع، به معنای ارائه محصولات تحلیلی به مصرف‌کنندگان.
- این فرایند، الزاماً نباید یا نمی‌تواند در هنگام بررسی یک موضوع تماماً طی شود و بسته به نیاز مشتریان، می‌تواند در مراحل اولیه هم متوقف شود. برای مثال، گاهی نیاز مشتریان فقط در حد ارزیابی خبر یا شایعه است که در این شرایط، تحلیل اطلاعاتی در مرحله ارزیابی متوقف می‌شود.
- همانطور که گفته شد، مأموریت ذاتی دستگاه‌های امنیتی - اطلاعاتی، هشداردهی و آینده‌شناسی وقایع قبل از بروز و ظهور آنهاست، چرا که در غیر این صورت، این دستگاه‌ها صرفاً در حد تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاری، متوقف و نسبت به وقایع و بحران‌ها (و فرصت‌ها) ناآگاه می‌شوند. ریچارد هلمز، رئیس سابق سازمان اطلاعات مرکزی، بر همین اساس، وظیفه تحلیل‌گران اطلاعاتی را فراهم‌آوردن پیش‌آگاهی از امور دانسته است (Holt, 1995: 80).
- بنابراین، اگر رویکرد آینده‌شناسانه بر این دستگاه‌ها حاکم نباشد، سیستم اطلاعاتی (و نظام سیاسی)، مرتباً با بحران‌های پیش‌بینی نشده‌ای روبه‌رو می‌شوند و در بهترین شرایط، صرفاً به ارائه گزارشات رنگارنگ و پرحاشیه در خصوص وقایع و رخداد‌های قبلی (قبلاً به وقوع پیوسته) می‌پردازد. این در حالیست که مأموریت ذاتی این دستگاه، پیش‌بینی وقایع قبل از وقوع آنهاست، چرا که پدیده‌های ضد امنیتی - در صورت بروز - مصائب و معضلات جدی را برای کشور و سازمان پدید می‌آورند. در واقع، اهمیت و ضرورت آینده‌نگری در همه حوزه‌ها و

موضوعات، در شرایط کنونی اثبات شده و مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در حوزه مطالعات و بررسی‌های امنیتی، این امر به دلیل پیامدهای ناگوار و حیاتی مسائل و بحران‌های ضد امنیتی، ضرورت دوجندان پیدا کرده است. به این دلیل است که امروزه، کارآمدی و کفایت سیستم امنیتی به توانایی آن در پیش‌بینی حوادث بستگی دارد و این امر در تحلیل‌ها و گزارش‌های آن منعکس و قابل ردیابی و ارزیابی است. به عبارت دیگر، آینده‌نگری، مهمترین معیار برای ارزیابی تحلیل‌های نهادهای اطلاعاتی به شمار می‌آید.

غافل‌گیری و آینده‌نگری، دو روی یک سکه هستند، به این معنی که با ارتقاء توان پیش‌بینی و دقت در آینده‌شناسی پدیده‌ها و روندهای تحت مطالعه، از حجم و دامنه غافل‌گیری کاسته می‌شود. توان تخصصی سرویس‌های اطلاعاتی در پیش‌بینی، امکان رصد و پایش بروز تهدیدات غافل‌گیرکننده (یا فرصت‌های مثبت پیش رو) را فراهم می‌سازد و به همین دلیل، سازمان‌های تخصصی امنیتی - انتظامی و سایر دستگاه‌های مرتبط با مسائل امنیتی نیز در مقابل چالش‌ها و خطرات محتمل، آمادگی بیشتری پیدا می‌کنند و از حجم غافل‌گیری کاسته می‌شود. در واقع، با ارتقاء کیفیت پیش‌بینی‌ها، امکان بروز حوادث غافل‌گیرکننده نیز کاهش می‌یابد، چون در بسیاری از مواقع، نفس پیش‌بینی پدیده‌های بحرانی، به طور طبیعی زمینه‌های وقوع را نیز زائل می‌سازد. در نتیجه، می‌توان گفت رابطه میان این دو مقوله معکوس است.

۲. غافل‌گیری

غافل‌گیری شرایطی است که در آن، نظام تصمیم‌گیری در معرض پدیده‌هائی قرار می‌گیرد که قبلاً درباره آنها پیش‌آگاهی نداشته باشد. به عبارتی، وضعیتی است که مدیریت سیستم با شرایطی مواجه می‌شود که درباره آنها تصویری نداشته و آنها را از قبل حدس نمی‌زده است. برای مثال، قدرت‌گرفتن ناگهانی طالبان در افغانستان، طی سال‌های دههٔ هفتاد یا دستگیری و اعدام چائوشسکو، رئیس جمهوری وقت رومانی در سال‌های دهه نود میلادی، وضعیت‌های غافل‌گیرکننده به شمار می‌آیند. جنس و ماهیت این‌گونه رخدادها، بدان جهت غافل‌گیرکننده است که عنصر روانی تعجب و حیرت را به وجود می‌آورد. از قضا، به همین سبب است که

اولین کسانی که خود دچار بحران می‌شوند، مدیران بحران هستند. این از خصایص ذاتی بحران و وضعیت غافل‌گیرکننده است. ناگهانی، سریع و فوری بودن، همگی اسباب غافل‌گیری مدیریت سیستم هستند و این شرایط، به سبب عدم پیش‌بینی و پیش‌آگاهی از وقوع بحران به وجود می‌آید. چون پدیده‌های بحرانی غافل‌گیرانه رخ می‌دهند، امکان تدبیر و تمشیت و سیاست‌گذاری نیز ناممکن است یا به دشواری صورت می‌گیرد (یا پرخاست). بنابراین، عدم پیش‌بینی بحران و فقدان آینده‌نگری درباره پدیده‌های بحرانی، هزینه‌ها و خسارت فراوانی را به بار می‌آورد، به ویژه آنکه، مدیریت بحران هم گرفتار ضعف تحلیل و فقدان آینده‌نگری بوده و نمی‌تواند خود را به سرعت بازسازی و آماده عمل کند. در این گونه سیستم‌ها، غافل‌گیری‌های اطلاعاتی - امنیتی موجب اتخاذ تصمیمات پرهزینه بیشتر می‌شود که بر عمق و عمر بحران می‌افزاید و آن را پیچیده‌تر می‌کند.

انتظاری که از تحلیل اطلاعاتی می‌رود آن است که از طریق آینده‌نگری و ارائه انواع پیش‌بینی‌های محتمل و ممکن و در نظر گرفتن انواع حالات یا وضعیت‌های ممکن، از دامنه غافل‌گیری‌ها بکاهد.

کانون یا تمرکز^۱ فعالیت و تحلیل اطلاعاتی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که طبعاً منجر به تولید چهار نوع اطلاعات متفاوت نیز می‌شود:

(۱) اطلاعات پایه^۲،

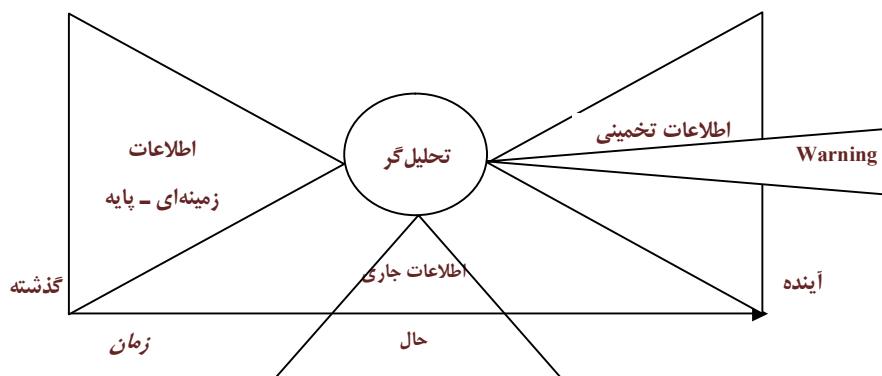
(۲) اطلاعات جاری^۳،

(۳) اطلاعات تخمینی^۴ (یا پیش‌بینی)، موم انسانی و مطالعات فریبگی

(۴) اطلاعات هشداردهنده^۵ که در شکل زیر قابل مشاهده است:

رتال جامع علوم انسانی

-
1. Scopes
 2. Basic I.
 3. Current I.
 4. Estimative I.
 5. Warning I.



منبع: (Sisc, 2007: 5)

رعایت اصل مهم آینده‌نگری که همانا در نظر گرفتن انواع حالات متحمل و سپس، تشخیص انواع حالات ممکن و اولویت‌دادن به هر احتمال است، مهمترین ابزار پیش‌گیری از غافل‌گیری است. مسئولیت اساسی وضعیت‌های غافل‌گیرکننده با تحلیل‌گران اطلاعاتی است که با عدم آینده‌نگری، نظام تصمیم‌گیری را در وضعیت غافل‌گیری قرار داده‌اند (به شرط آنکه تصمیم‌گیرندگان هم گوش شنوایی برای درک پیام‌های تحلیل‌گران داشته باشند).

۳. شکست اطلاعاتی^۱

مضمون ناکامی یا شکست اطلاعاتی را باید در مجاورت مفهومی با مضمون غافل‌گیری اطلاعاتی جستجو کرد. در واقع، غافل‌گیری، عنصر یا ویژگی عمدتاً روانی و ذهنی و شکست، نوعی مفهوم تحلیلی و سازمانی است. شکست اطلاعاتی، به معنی عدم پیش‌بینی (و تا حدودی پیش‌بینی نادرست) درباره وزن، جهت و شدت پدیده‌ها، وقایع و روندهای مخاطره‌آمیز در آینده است (Clarck, 2004: 202). هرگاه تحلیل‌گران از روند واقعیت‌ها غافل باشند و این غفلت‌ها هزینه‌هایی را برای منافع ملی، ارزش‌ها و دارایی‌های بنیادین نظام سیاسی یا اجتماع ملی به بار آورد، شکست اطلاعاتی رخ داده است. بنابراین، شکست‌های اطلاعاتی محصول غافل‌گیری اطلاعاتی هستند و این دو وضعیت، از ضعف‌های بنیادی تحلیل اطلاعاتی به شمار می‌آیند.

1 . Intelligence Failure

۴. هشداردهی

هر ارگان‌یسم زنده‌ای دارای تنظیمات و ابزارهایی برای تشخیص وقوع خطر و انجام عکس‌العمل مناسب در مقابل آن است. این واقعیت، حتی در میکروارگان‌یسم‌ها هم قابل مشاهده است. به این وسیله، موجودات به سرعت نسبت به شرایط خطرناک و بحرانی عکس‌العمل نشان داده و از منطقه خطر خارج می‌شوند یا با آن مقابله می‌کنند. برای مثال، درجه حرارت بدن یا درد، نوعی مکانیسم هشداردهی (و البته، پاسخ طبیعی بدن) به عناصر مهاجم (میکروب‌ها و ویروس‌ها) است که موجب آگاهی از بروز آسیب در ارگان‌یسم می‌شود. در سیستم‌های غیر طبیعی و انسان‌ساخت^۱ نیز این ابزار برای حفاظت از دستگاه‌ها تعبیه شده تا در صورت تغییر ناگهانی شرایط، مثل دما یا فشار، سیستم واکنش مناسب را نشان دهد و سازمان‌های اطلاعاتی، یکی از مصادیق این ابزارهای هشداردهنده به شمار می‌آیند.

در هشدارهای اطلاعاتی^۲ با علائم و نشانه‌هایی روبرو هستیم که نشان‌دهنده به خطر افتادن منافع ملی و ارزش‌های اساسی هستند. در عین حال، هشدارها بایستی نشان‌دهنده تحقق این شرایط باشند نه آنکه شاخص‌های تهدید باشند. به عبارتی، بین شاخص‌های تهدید (که ممکن است محقق شوند یا محقق شده‌اند) و هشدار، تفاوت وجود دارد. هشدار صرفاً نشانه و علامت است نه خود تهدید. برای مثال، مانور مشترک کشور همسایه با قدرت خارجی رقیب یا کشف مقادیر زیادی سلاح در نقطه مرزی، نشان‌دهنده فشار و تهدید سیاسی - نظامی رقیب یا عملیات تروریستی است، اما نه خود عملیات نظامی یا تروریستی. به سخن دیگر، هشدارها در حکم نشانه و نماد و زمینه تحقق تهدید هستند نه خود تهدید.

اکنون باید بر ویژگی مهم هشدار که عبارت است از «تمایزات تشخیص»، تأکید شود. در واقع، هر نظامی از هشدارها باید گویای شکل‌گیری تهدید خاص باشد نه اینکه هر هشدار، استعداد نمایش تهدیدات و بحران‌های متفاوت را داشته باشد. البته، منظور مجموعه هشدارهای مربوط به یک تهدید است و نه صرف یک هشدار، چرا که در طراحی نظام هشداردهی در برابر بروز یک تهدید، بایستی مجموعه‌ای از شاخص‌ها و نشانه‌ها را به عنوان هشدارهای هر

1. Man - made

2. Intelligence Warning

رخداد یا واقعه تهدیدآمیز در نظر گرفت (CISC, 2007: 12). برای مثال، عملی شدن تهدید نظامی و وقوع جنگ یا منازعه مسلحانه بین کشورها، منوط به تحقق دهها شرط (یا همان هشدار) است و نمی‌توان صرفاً به یک هشدار تکیه کرد. از این رو، هرچند یک علامت می‌تواند در تشخیص چند هشدار به کار رود، اما در مجموع، علائم و نشانه‌های هر تهدید، به عنوان بسته منسجم^۱، باید متفاوت از مجموع علائم و نشانه‌های دیگر تهدیدات باشد. برای رسیدن به درک دقیق‌تر از مفهوم هشدار، باید تصریح کرد که هشدار چه چیزهایی نیست. هشدار، نوعی واقعیت، امر اثبات‌شده، وضعیت قطعی یا حتی فرضیه احتمالی هم نیست. بر عکس، هشدار نوعی انتزاع، تئوری، قیاس یا به عبارتی، عقیده است که البته، محصول استدلال منطقی بوده و فرضیه‌ای است که قابل اعتبارسنجی است. بنابراین، هشدار عبارت از محصول واقعیت عینی نیست. همچنین، هشدار هر چیزی نیست که توسط تحلیل‌گران و سازمان اطلاعاتی تولید می‌شود. همچنین، هشدار نبایستی به عنوان اطلاعات جاری^۲ در نظر گرفته شود، چرا که در پی ارائه ذهنیت‌هایی در خصوص بحران‌های پیش رو است، اما اطلاعات جاری صرفاً درباره بحران‌ها نیست. از سوی دیگر، هشدار نوعی اجماع یا توافق عمده و کلان نیز نیست که مورد اجماع همه کارشناسان و تحلیل‌گران باشد (Graboo, 2010: 15 – 19). در عوض، هشدار محصول تلاش عمده تحقیقاتی و فرایند گسترده جمع‌آوری اطلاعات، نوعی برآورد احتمالی^۳، قضاوت و داوری برای تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران^۴ و کمک به آمادگی‌های مسئولیت‌اجرائی است. به عبارت دیگر، هشدار باید در خدمت نظام تصمیم‌گیری و با توجه به مجموع سلائق و امکانات آنها ارائه شود (Graboo, 2010: 23-30). برای مثال، هشداردهندگان باید بدانند امکانات عملیاتی و اجرائی نیروهای دفاعی کشور در حوزه دریائی، به چه میزان است و بر اساس آن، هشدارهایشان را دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر ارائه کنند. در عین حال، نکته اصلی درباره مفهوم هشدار آن است که این فرایند باید به طور

-
1. Package
 2. Current Intelligence
 3. Assessment of Probabilities
 4. Policy Makers

مشخص، احتمال بروز خطر^۱، مخاطره^۲، تهدید^۳ و در نهایت، هر آنچه عنوان بحران بر آن می‌نهییم را روشن سازد. به زبان روان‌تر، هشدار، تعیین احتمال بروز حادثه معین با توجه به بزرگی پیامدهای خاص آن حادثه است که منجر به شکل‌گیری تصور عمومی درباره خطرات و آسیب‌های پیش رو می‌شود و نوعی تصورات مخاطره‌ای^۴ را ایجاد می‌کند، با این امید که موجب تولید و تشدید حساسیت‌ها در نزد تصمیم‌گیرندگان شود و پاسخ‌های مخاطره‌ای را دریافت کند.

مفهوم مخاطره، تا قرن هجدهم و هم‌زمان با توسعه تئوری ریاضیاتی احتمال و روش‌های علمی عینیت‌یافته، ظهور یافت (Cavell and Mum Power, 1983: 34). این مفهوم، مستلزم ملاحظات مربوطه به خطر^۵، احتمال^۶ و عدم اطمینان^۷ است. هر خطر به سادگی می‌تواند به عنوان عمل یا پدیده‌ای تعریف شود که مردم و آنچه را یکی از آنها «بارزش» می‌داند، تهدید کند.

بنابراین، هشدار احتمالی است در این خصوص که خطر می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای زندگی، دارائی‌ها^۸ یا محیط انسانی ایجاد کند (National Research Council, 1996: 23). به طور مشخص، مخاطره، وضعیت میانی بین امنیت و فروپاشی است و هشدار، ابزار یا روندی است که احتمال عینیت‌یافتن مخاطره را روشن می‌سازد. مخاطره از عدم اعتماد به امنیت شروع می‌شود. به عبارتی، مخاطره به وضعیت اعتمادی امنیت اشاره دارد. باید تصریح کرد در اینجا، خطر هر چیزی است که می‌تواند موجب آسیب (به مردم، محیط، نظام سیاسی و مانند آنها) باشد. در مجموع، می‌توان گفت هشدار سه بُعد دارد و هر اشاره‌ای به خطرات و تهدیدات، متضمن تأکید بر این ابعاد است:

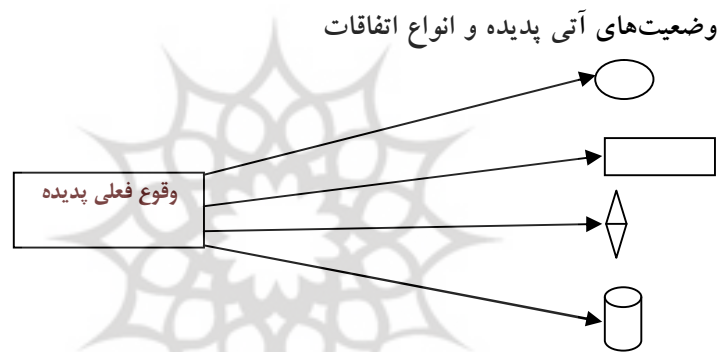
1. Danger
2. Risk
3. Threat
4. Imaging Risk
5. Hazard
6. Probability
7. Uncertainly
8. Property

۴-۱. احتمالات^۱

هشدارها بیان و تصریح احتمالی حادثه نامطلوب خاص در یک دوره زمانی معین است. مطابق ادبیات احتمال در آمار، هشدار، احتمال کمی وقوع حادثه منفی خاص (و البته فرصت‌های مثبت) است که بایستی مقادیر زیر را بیان کند:

الف) انواع احتمالات: شکل و فرم هر کدام از حالت‌های اتفاق پیش رو (به عبارتی، هیچ‌گاه هشدار منحصر به فرد ارائه نمی‌شود).

ب) شدت، قوت، فراگیری و دامنه و گستره اتفاق.



۴-۲. تأثیرات^۲

اینکه هر کدام از حالات (اتفاقات محتمل)، چه پیامدهائی به جا خواهد گذاشت و تأثیرات آن کدام است، اهمیت فراوانی در هشداردهی دارد. در واقع، آنچه هشدار را معنی می‌کند و تصورات تصمیم‌گیرندگان و دریافت‌کنندگان محصولات هشداردهی را تحریک می‌نماید، درجه بزرگی پیامدهای خاص اتفاق یا روند (یا اتفاق‌های) پیش روست. بیان دامنه تأثیرات هشدارهاست که تصورات مخاطره‌ای^۳ را ایجاد می‌کند. در غیر این صورت، هشداردهی

1. Probability
2. Effects
3. Imaging Risk

بی‌تأثیر خواهد بود. به این دلیل است که مفهوم یا رهیافت بزرگ‌نمایی مخاطره‌ای^۱ توسط کینپرسون^۲ مطرح شده است. بزرگ‌نمایی هشدارها، به عنوان آسیب نظام هشداردهی، هنگامی است که تحلیل‌گران و هشداردهندگان در پیامدهای تحقق هشدار مبالغه می‌کنند و بنابراین، «پاسخ‌های بیش از حد» را در نظام تصمیم‌گیری ایجاد می‌کنند. در عین حال، صرف نظر از مبالغه‌های احتمالی، هر هشدار باید به طور شفاهی، پیامدها، عواقب، نتایج و کارکردهای مستقیم و غیر مستقیم و آشکار و پنهان عملی شدن هر اتفاق را روشن سازد.

۳-۴. اولویت‌دهی^۳

در نظام هشداردهی، بایستی اتفاق یا خطرات به طور منطقی رتبه‌بندی شوند، یعنی مشخص شود احتمال وقوع کدام سناریو یا حالت از هشدار بیشتر است. این امر از آن رو اهمیت دارد که هشدارهای مربوط به هر موضوع امنیت ملی (برای مثال، تدابیر عملیاتی گروه تروریستی در شرق کشور) تک‌حالتی نبوده و آن گروه، احتمالاً چند راهکار پیش روی خود دارد. آنچه در این میان مهم است و به طور ویژه‌ای برای مدیران تصمیم‌ساز، کاربرد فراوان دارد، اولویت احتمالات است و اینکه کدام سناریو محتمل‌الوقوع‌تر است و به چه میزان؟ تعیین این اولویت، موجب می‌شود تصورات مخاطره‌ای مدیران دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر شکل پذیرد، ضمن آنکه پیش‌آگاهی نسبی آنها نسبت به سایر احتمالات نیز به وجود آمده است.

این پیش‌آگاهی نسبی - نسبت به سایر احتمالات و هشدار - موجب می‌شود در صورتی که - از قضا - سایر هشدارهای کم‌اهمیت‌تر محقق شوند، مدیریت اجرایی، کمتر دچار شرایط غافل‌گیری ذهنی شود و در عین حال، پیش‌بینی‌ها و تدابیر عملیاتی لازم را برای حالات کم‌اهمیت‌تر در نظر بگیرد. بنابراین، منظور از رتبه‌بندی آن است که هشدارهای ارائه‌شده درباره هر خطر امنیتی مشخص، از نظر احتمال وقوع و نیز دامنه تأثیرات، رتبه‌بندی شوند.

بر اساس سه ویژگی فوق، محصولات هشداردهی بایستی در تعامل میان این سه ویژگی

1. Amplification of Risk

2. Kinsperson

3. Ranking

ارائه شوند و اگر برای هر کدام، سه حالت فرضی (با دامنه‌های سه‌گانه) در نظر بگیریم، آنگاه روال هشداردهی می‌تواند به شکل زیر باشد.

انواع حالات: وضعیت الف، وضعیت ب، وضعیت ج.

- دامنه تأثیرات: بد، بدتر، خیلی بد.

- احتمال وقوع وضعیت‌ها: کم، متوسط، زیاد.

انواع هشدارهای یک موضوع (در صورت بروز وضعیت الف)

مضمون هشدار اول: وضعیت الف، تأثیر بد، احتمال کم

مضمون هشدار دوم: وضعیت الف، تأثیر بدتر، احتمال کم

مضمون هشدار سوم: وضعیت الف، تأثیر خیل بد، احتمال کم

مضمون هشدار چهارم: وضعیت الف، تأثیر بد، احتمال متوسط

مضمون هشدار پنجم: وضعیت الف، تأثیر بدتر، احتمال متوسط

مضمون هشدار ششم: وضعیت الف، تأثیر خیلی بد، احتمال متوسط

مضمون هشدار هفتم: وضعیت الف، تأثیر بد، احتمال زیاد

مضمون هشدار هشتم: وضعیت الف، تأثیر بدتر، احتمال زیاد

مضمون هشدار نهم: وضعیت الف، تأثیر خیلی بد احتمال زیاد

انواع هشدارهای همان موضوع (در صورت بروز وضعیت ب):

- نه هشدار با مضامین متفاوت

انواع هشدارهای همان موضوع (در صورت بروز وضعیت ج)

- نه هشدار با مضامین متفاوت

در این میان، مهمترین هشدارها، هشدارهایی هستند که از نظر دامنه تأثیر «خیلی بد» تصور می‌شوند (یعنی هشدارهای سوم، ششم و نهم در هر سه وضعیت الف، ب و ج)، که از میان ۹ هشدار نیز سه هشدار، هشدارهایی هستند که احتمال وقوع آنها زیاد است، یعنی وضعیت نهم در هر سه وضعیت الف، ب و ج. مجمل کلام آنکه، هشدارهایی مهم هستند که دامنه تأثیر «خیلی بدی» دارند و احتمال وقوع آنها نیز «زیاد» است.

ب. بحران‌های امنیتی، غافل‌گیری و هشداردهی

در میان تمامی تعاریف و برداشت‌های متفاوتی که از مقوله بحران^۱ ارائه شده است، «غافل‌گیری» یا «ناگهانی بودن» و اصطلاحاً «غیرمترقبه بودن»، وجه مشترک به شمار می‌آید و در کنار سایر صفات بحران، مانند حیاتی بودن، گستردگی و سرعت وقوع قرار می‌گیرد. شاید در تفسیر و تعبیر اغراق‌آمیز بتوان گفت بحران هر آن چیزی یا حادثه‌ای است که قبلاً پیش‌بینی و پیش‌آگاهی در خصوص آن به وجود نیامده است. بنابراین، با این رویکرد، بحران‌ها همگی دارای ویژگی غافل‌گیرکنندگی هستند و این به آن دلیل است که بحران، معمولاً و ظاهراً بدون زمینه قبلی و با سرعت بالا به وقوع می‌پیوندد و نهادهای ناظر، از بروز آن «غافل» بوده‌اند. بنابراین، بحران‌ها ذاتاً غافل‌گیرکننده هستند، چون از دید نهادهای مسئول امنیتی پنهان مانده‌اند و «ناگهان» بروز و ظهور عینی پیدا کرده‌اند (البته، این به معنی فقدان زمینه‌های اولیه و انکار مکانیسم‌های علی^۲ که به طور منطقی و طبیعی، موجبات بروز آن را به تدریج فراهم ساخته‌اند، نیست). خلاصه اینکه، غافل‌گیری ویژگی مهم و اساسی پدیده‌های بحرانی به شمار می‌آید تا جایی که اگر عنصر غافل‌گیری را از پدیده‌ها یا شرایط بحرانی حذف کنیم، آنگاه آن پدیده‌ها تبدیل به مسئله^۳ یا معضله^۴ و مشکلات مزمن می‌شوند که به لحاظ مفهومی، واقعیت‌هایی آزاردهنده، اما غیر بحرانی قلمداد می‌شوند. مضمون این ادعا آن است که کار تحلیل‌گران امنیتی آن است که مانع از شکل‌گیری پدیده بحرانی شوند و هرچه در این زمینه مؤثرتر عمل کنند، از بروز غافل‌گیری‌ها پیش‌گیری کرده‌اند.

هشدارها شاخص‌هایی^۵ هستند که از بروز بحران (و به طور مشخص‌تر، از شکل‌گیری غافل‌گیری) خبر می‌دهند. شاخص‌های اطلاعاتی آن دسته از علائم^۶ و نشانه‌هایی هستند که در صورت رصد و پایش^۷ مستمر آنها می‌توان از آینده حوادث و کم و کیف وقوع آنها مطلع شد

-
1. Crisis
 2. Casual mechanism
 3. Problem
 4. Issue
 5. Indicators
 6. Signals
 7. Monitoring

(Graboo, 2010: 12). تحلیل اطلاعاتی با طراحی نظام منسجمی از هشدارهای به موقع و از قبل طراحی شده، از وقوع حوادث بحرانی و ضد امنیتی پیش‌گیری می‌کند. بنابراین، کارکرد و وظیفه تحلیل اطلاعاتی و تحلیل‌گران آن است که با طراحی نظامی منسجم از شاخص‌ها - که هر مجموعه‌ای از آنها حاکی از بروز یک پدیده بحرانی است -، از شکل‌گیری غافل‌گیری‌ها ممانعت نمایند. بر این مبنا، می‌توان گفت هشداردهی فرایندی مهم پس از آینده‌نگری است و آینده‌نگری، فی‌نفسه ارزش و اعتبار ندارد، جز اینکه، شرایط پیش‌رو را به تصویر می‌کشد، اما هشداردهی نحوه شکل‌گیری و تکوین^۱ شرایط را مشخص می‌سازد. به وسیله هشداردهی، تحلیل‌گران مکانیسم وقوع تدریجی پدیده را مشخص می‌سازند و با ایجاد پیش‌آگاهی در نزد تصمیم‌سازان، زمینه‌های تحقق و عینیت‌یافتن تهدیدات پیش‌رو را تصویر می‌کنند. بنابراین، هشداردهی ابزار و تکنیک مهم برای پیش‌گیری است. ضمن آنکه، هشداردهی به واسطه رصد و پایش مستمر محیط یا موضوع، تحولات و تغییرات احتمالی پدیده تحت مطالعه را که قبلاً پیش‌بینی نشده بود نیز نشان می‌دهد. این جنبه از کار هشداردهی، از آن رو اهمیت دارد که پدیده‌ها و روندهای امنیتی - بنا به ماهیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌شان - از فرایند خطی پیروی نمی‌کنند و همواره احتمال و امکان تغییر در آنها وجود دارد.

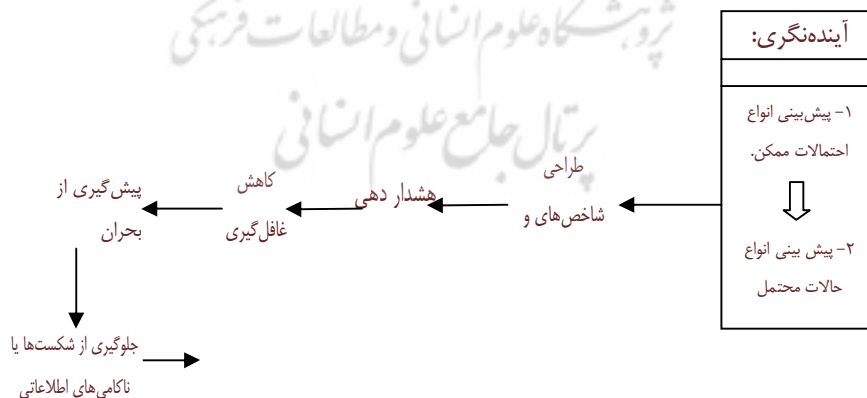
هشداردهی با پی‌گیری مستمر شرایط، هرگونه اغوجاج و انحراف پدیده از الگوهای پیش‌بینی شده قبلی را آشکار ساخته و شکل‌گیری الگوهای جدید را به آگاهی تصمیم‌گیر می‌رساند. بنابراین، هشداردهی اوج توان‌مندی سیستم اطلاعاتی را نشان داده و درجه اشرف اطلاعاتی سیستم را ارتقا می‌دهد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، اشرف اطلاعاتی را باید به معنای رسیدن به مرحله تولید دانش درباره پدیده و ارائه حدس‌های عالمانه درباره آینده سوژه یا پدیده و رفتارهای احتمالی آن تعریف کرد. در عین حال، زمانی این اشرف اطلاعاتی یا وضعیت آگاهی محقق می‌شود که تحلیل‌گر، علاوه بر آینده‌شناسی‌هایی که درباره پدیده ارائه می‌کند، تحولات پیش‌رو و میزان احتمال یا امکان تحقق هر کدام از حالات را روشن سازد. این همه، توان پیش‌بینی بحران‌های امنیتی را امکان‌پذیر می‌نماید.

ج. طراحی نظام جامع هشداردهی با تمرکز بر علائم ضعیف

تشخیص خطر امری نسبی است و به رغم ضرورت طراحی نظام جامع از شاخص‌های عینی و قابل سنجش که مورد وفاق جامعه تحلیل‌گران در مجامع تصمیم‌گیری باشد، در نهایت، فرایند تعیین خطرات، امر فرهنگی - اجتماعی و زمینه‌مند است. به عبارتی، اینکه چه چیزهایی مرکز نگرانی می‌شوند، تابع شرایط متعدد فرهنگی - سازمانی و تجربه‌های قبلی است. تشخیص مخاطرات و ارائه هشدارها، یک سازه اجتماعی است که به وسیله جریانات، اطلاعات، ساختارهای نهادی، رفتارهای اجتماعی و گروهی و پاسخ‌های قبلی فرد هشداردهنده ساخته می‌شود. این نکات نشان‌دهنده اهمیت آن است که چه کسی و تحت چه شرایطی، مخاطره را تشخیص می‌دهد؟ خلاصه آنکه، هشدارها و هشداردهی، یک امر فرهنگی - اجتماعی است و بنابراین نوعی نسبت بر آن حاکم است. در طراحی نظام هشداردهی باید بتوان بر این محدودیت یا مضیق‌ها فائق آمد، چرا که نظام تصمیم‌گیری و مدیران اجرایی را نمی‌توان در شرایط کاملاً نسبی و متزلزل قرار داد.

قبل از آنکه به طراحی نظام هشداردهی بپردازیم، شایسته است به جایگاه روابط چند مفهوم اصلی که آنها را مرور کرده‌ایم، اشاره کنیم. در این چارچوب باید بتوان نسبت و جایگاه هر کدام از مفاهیم را در فضای انتزاعی کلی ترسیم کرد تا به تصور نسبتاً شفافی نائل آئیم.

کارکردهای اصلی تحلیل اطلاعاتی با رویکرد هشداردهی



در تحلیل شکل‌گیری و تکوین وقایع، باید توجه داشت رویدادها و مخاطرات، به طور ناگهانی رخ نمی‌دهند، بلکه برای رخداد هر واقعه‌ای، از قبل زمینه‌ها، نشانه‌ها و علائم وجود دارد. در بسیاری از موارد، این نشانه‌ها طی روندی مشهود بروز کرده و منجر به ظهور رویداد می‌شوند. بنابراین، در نظام هشداردهی، در ابتدا این روندها و علائم - که ممکن است موجب بروز تحولات اساسی و شگفتی ساز شوند - شناسائی و آنگاه، اطلاعات مربوط به آنها (علائم) در لیست نیازمندی‌ها قرار می‌گیرد و داده‌ها جمع‌آوری می‌شود.

در عین حال، در هر شرایطی، بایستی به علائم ضعیف^۱ توجه کرد، به ویژه هنگامی که نگران رویدادهائی باشیم که فاقد ویژگی روندی هستند، یعنی ظاهراً بدون مقدمه و تراکم و تجمیع عوامل و علل رخ می‌دهند (رویدادهای نوظهور). از قضا، این گونه حوادث، غافل‌گیری‌های شدیدتری را به دنبال دارند. بنابراین، در اینجا باید در پی جمع‌آوری اطلاعات هشداردهنده بود که «ضعیف» اند، اما نوید تغییرات مهمی را می‌دهند. این علائم ضعیف، معمولاً به سهولت درک و تشخیص داده نمی‌شود. بنابراین، تعیین آنها و تبدیل آنها به هشدار، نیازمند حساسیت‌های بالائی است. برای مثال، در پیش‌بینی تمایل یک گروه سیاسی به رفتارهای تروریستی، علائم ضعیف می‌تواند شامل تغییر رویکردهای متفکران گروه، جابه‌جائی هویت گروه یا نحوه عضوگیری گروه باشد و البته، می‌دانیم تشخیص این علائم، به ویژه در دوره جنینی، بسیار ضعیف و مشکل است، چرا که در پاره‌ای موارد، این علائم ناآشنا هستند. بنابراین، تنها راه تشخیص علائم ضعیف، تقویت مبانی نظری با ماهیت استقرائی و تدوین و تنظیم تجارب پیشین است. با ملاحظه نحوه شکل‌گیری و بروز عینی رویدادهای شگفتی‌ساز قبلی در محیط خودی یا غیر خودی، علائم اولیه ضعیف آنها معین و سپس، به عنوان هشدار در طراحی نظام هشداردهی، مد نظر قرار می‌گیرد. علائم اولیه ضعیف در حکم پیش‌قراولان تغییرات اساسی و رویدادهای غافل‌گیرکننده به شمار می‌آیند و از این رو، در طراحی نظام هشداردهی، همان علائم به عنوان هشدار در نظر گرفته می‌شوند.

این کار به نوعی رصد محیطی، دیده‌بانی و پایش مستمر شرایط است که البته، در فضای کلی و اجمالی رخ نمی‌دهد، بلکه دیده‌بانی حول محورها یا علائم مشخص انجام می‌پذیرد که

1. Weak Signal

تحت عنوان هشدار، به طور مستمر از سوی جمع‌آوری‌کنندگان اطلاعات مطمع نظر قرار گرفته است. به عبارت دیگر، در نظام هشداردهی، علائم ضعیف از قبل شناسائی و مشخص شده، روابط میان آنها در نظر گرفته شده و نحوه رصد و اندازه‌گیری آنها (با در نظر گرفتن احتمال بروز تأثیرات هر کدام) معین می‌شوند. بنابراین، طراحی نظام هشداردهی موجب می‌شود قبلاً علائم (هشدارها) تعریف و تشخیص داده شوند و آنگاه مورد توجه عوامل جمع‌آوری اطلاعات قرار گیرند. این امر موجب فایده‌مندی و سهولت در تحلیل علائم و دقت در برآوردهای اطلاعاتی می‌شود.

در عین حال، باید تأکید کرد در برخی موارد، در طراحی نظام هشداردهی می‌توان و بایستی، به نیروهای پیشران^۱ توجه کرد. اینها عوامل و زمینه‌های حتمی و تلویحی (با همان هشدارهائی) هستند که زمینه شکل‌گیری پدیده‌های غافل‌گیرکننده را در آینده نشان می‌دهند. در مجموع، در نظام هشداردهی، باید بر علائم ضعیف و نیروهای پیشران به طور همزمان توجه کرد. در این چارچوب و با توجه به اهمیت رصد و پایش مخاطرات موجود یا محتمل علیه امنیت ملی و با اتخاذ رویکرد کلان برای ممانعت از غافل‌گیری‌ها و شکست‌های اطلاعاتی - امنیتی، به نظر می‌رسد توجه به ملاحظات و روندهای ذیل بتواند به طور مؤثری از حجم بحران‌ها و غافل‌گیری‌ها بکاهد.

۱. تمرکز بر مطالعات آینده‌شناسی^۲

در حوزه و موضوعات مختلف امنیت ملی، رویکرد و نگاه تمامی دست‌اندرکاران مسائل امنیتی باید رو به آینده باشد و نهادها و تحلیل‌گران باید خود را از چنبره وضع موجود (که روزمرگی را به دنبال خواهد داشت) برهانند. به این منظور و با ارتقاء آموزش‌های تخصصی آینده‌نگری و به کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های متعدد کمی، کیفی و ترکیبی در حوزه مطالعات آینده، می‌توان به تشخیص انواع حالات «ممکن» و «محتمل» درباره وضعیت‌های پیش رو، همت گماشت (حاجیانی، ۱۳۹۰). تأکید بر این امر به معنای نادیده‌انگاشتن فضای

1. Drivers Variable

2. Future Studies

احتمالی نیست. همچنین، توجه به اصل کلی و عمومی حاکم بر تمام تکنیک‌های آینده‌نگری که همانا رصد و تشخیص عوامل، متغیرها و فرایندهای مؤثر بر پدیده تحت بررسی است، نباید نادیده گرفته شود، چرا که وضعیت پدیده در آینده، کاملاً و همواره تحت تأثیر متغیرهای علی (و مکانیسم علی ناشی از آن علل) است. همین‌طور باید به متغیرهای به ظاهر کم‌تأثیر، روندهای نوظهور و متغیرهائی که ممکن است ناگهانی بروز و ظهور یابند، توجه داشت. خروجی‌های فرایندهای آینده‌شناسی، معمولاً تصورات و برداشت‌هایی از انواع آینده‌های محتمل‌تر یا محتمل‌الوقوع‌تر ارائه می‌کند که در اولویت‌های تحلیلی قرار می‌گیرد.

۲. تعیین نظام علائم و نشانه‌ها

پس از اینکه روشن شود کدام وضعیت (یا وضعیت‌ها) محتمل‌الوقوع‌تر هستند، می‌بایست علائم و نشانه‌های خاص هر وضعیت که تحقق آن وضعیت را نشان می‌دهند، مشخص شود. برای مثال، اگر حدس زده شود در آینده مشخص (مثلاً پنج ساله)، گروه سیاسی فعال در منطقه، گرایش‌ها و تمایلات تروریستی پیدا خواهد کرد، بایستی به طراحی مجموعه‌ای از نشانه‌ها و شاخص‌های تروریست‌شدن یک گروه سیاسی همت گماشت و علائم^۱ و نمادهای این وضعیت را مشخص ساخت.

می‌دانیم که نشانه‌های بارز شکل‌گیری هر گروه تروریستی، جذب نیروی انسانی مستعد، آموزش‌های نظامی، تهیه سلاح‌های خاص، تغییر ارزش‌ها و هویت‌های گروه سیاسی، زیرزمینی‌شدن گروه، تعمیق ارتباطات پنهان درون‌گروهی و مانند آنهاست. همانگونه که قبلاً گفته شد، این علائم باید در ارتباط با همدیگر بوده و مشخصاً تروریست‌شدن گروه (یا همان احتمال یا سناریو در نظر گرفته‌شده) را مشخص کنند و نشانه‌های دیگر سناریوها را وارد معادله نکنند. همچنین، توجه به شاخص‌های عمیق و غیر آشکار، اهمیت فراوان دارد.

۳. رصد و پایش مستمر شاخص‌ها

پس از انجام مرحله دوم، تحلیل‌گران و نهادهای هشداردهی باید وضعیت تحقق عینی و خارجی و بروز و ظهور هر علامت را پی‌گیری و شناسایی کنند. برای مثال، به این پرسش پاسخ دهند که آیا گروه موصوف در صدد خرید و تهیه سلاح‌های خاص با آموزش‌های تخصصی بوده‌اند؟ و این امر کی و چگونه رخ داده است؟ اینگونه رصدها، نیاز به جمع‌آوری اطلاعات دارد و منشاء بسیاری از نیازمندی‌های اطلاعاتی^۱ که سرلوحه فعالیت‌های عناصر جمع‌آوری است، از همین جا مشخص می‌شود. داده‌های جمع‌آوری‌شده، به شرطی منشاء اثر و مفید خواهند بود که در چارچوب نظام هشداردهی استفاده شوند. در غیر این صورت، تلاش‌های نهادها و عوامل جمع‌آوری، پراکنده، نامنسجم و دچار روزمرگی خواهد شد. داده‌های جمع‌آوری‌شده در این مرحله، در یک نظام معنایی (یعنی همان نظام هشداردهی) معنی‌دار و قابل تفسیر می‌شوند.

۴. تهیه گزارش‌های هشداردهی

محصول نهائی فرایند هشداردهی، تعیین وضعیت موضوع تحت بررسی و میزان دوری و نزدیکی آن با سناریوی متحمل یا پیش‌بینی‌شده است. در این جا، شکاف و فاصله میان وضع فعلی پدیده با وضعیت پیش‌بینی‌شده، حائز اهمیت است. همچنین، اعوجاجات و انحراف پدیده از پیش‌بینی‌های انجام‌شده و شکل‌گیری وضعیت‌های جدید (پیش‌بینی‌نشده) نیز در همین جا رخ می‌دهند که نیازمند انعطاف‌پذیری تحلیلی بالای تحلیل‌گران و کارشناسان است. در این صورت، نظام تصمیم‌گیری در سطح ملی، محلی و موضوعی، نسبت به رویدادهای احتمالی پیش‌آگاهی پیدا خواهد کرد و از آنها پیش می‌افتد. در این صورت است که احتمال غافل‌گیری در بعد ذهنی و روانی و نیز در بعد اجرائی - عملی و سازمان‌دهی کاهش می‌یابد.

نتیجه گیری

هدف اصلی نوشتار حاضر، تبیین رابطه میان چند مفهوم اصلی در تحلیل اطلاعاتی با هدف جلوگیری از غافل‌گیری و شکست اطلاعاتی بود. در این راستا، تأکید شد که تلاش برای پیش‌افتادن بر شرایط و رویدادهای مخاطره‌آمیز و کاهش غافل‌گیری و در مجموع، کاهش بحران‌های ضد امنیتی، منوط به و مبتنی بر هشداردهی و توجه به آن در تحلیل‌های اطلاعاتی است.

هشداردهی، روندی است که از آینده‌نگری و آینده‌شناسی آغاز می‌شود و طی آن، انواع حالات ممکن و محتمل شناسائی و برای هر حالت یا احتمال، نشانه‌ها و علامات در نظر گرفته می‌شود. در نهایت، رصد و پایش^۱ شاخص‌های هشدار مطمع نظر قرار می‌گیرد.

محصول نهائی هشداردهی، تعیین شکاف یا فاصله میان وضع موجود پدیده با پیش‌بینی‌های قبلی است که البته، ممکن است منجر به شکل‌گیری سناریوها یا پیش‌بینی‌های جدید نیز بشود. نکته مهم آنکه، تکوین ذهنیت مخاطره‌ای در نزد تحلیل‌گران و مصرف‌کنندگان (تصمیم‌گیرندگان) به شدت زمینه‌مند و وابسته به شرایط است. بنابراین، باید کوشش زیادی برای نزدیک‌کردن ذهنیت‌های این دو بخش انجام شود.

وجود جوّ تفاهم و تقویت روابط بین تحلیل‌گران و مشتریان، موجب می‌شود هشدارها مؤثرتر شده و موجب اتخاذ تصمیمات و اقدامات پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه مناسبتری شوند. بنابراین، باید تلاش کرد در آینده‌نگری و پیش‌بینی، طراحی نظام هشداردهی و تعیین شاخص‌های هر سناریو، از دیدگاه‌ها و نظارت تمام متخصصان و مدیران اجرائی در عرصه امنیت ملی استفاده شود.

تحقق این فرایند و استقرار نظام هشداردهی نمی‌تواند مانع بروز و عینیت‌یافتن تمام غافل‌گیری‌ها و جلوگیری از شکست‌های اطلاعاتی و ناکامی‌ها باشد، بلکه صرفاً می‌تواند از دامنه آنها بکاهد یا حداقل، از ضررها، آثار و پیامدهای ناخوشایندی که مخاطرات امنیتی برای زندگی اجتماعی و دارائی‌های با ارزش به وجود خواهند آورد، جلوگیری کند.

دست آخر، باید به این اصل اشاره شود که مهم‌ترین وظیفه جامعه اطلاعاتی در هر

کشوری، پیش‌گیری از وقوع شگفتی‌ها و غافل‌گیری، از طریق پیش‌بینی وقایع آتی با اتکا به توانایی‌های انسانی یا فنی است (Kuperwasser, 2007). از این رو، تلاش برای تقویت نظام پیش‌بینی و هشداردهی در نهادهای اطلاعاتی، باید به عنوان یکی از اولویت‌های مدیریتی، همواره مد نظر قرار گیرند.



منابع

- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۰)؛ «معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده»، *فصلنامه راهبرد*، تابستان ۱۳۹۰ شماره ۵۹ - ص ۱۰۷-۷۷.
- لوونتال، مارک ام. (۱۳۸۷)؛ *فرایند اطلاعات: از اسرار تا سیاست*، ترجمه علیرضا غفاری، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- میرمحمدی، مهدی و محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۸۷)؛ *سیاست و اطلاعات: مطالعه موردی آمریکا*، تهران: ابرار.
- Aspin-Brown Commission (2004); "The Evolution of the U.S. intelligence community, An Historical Overview", in Loch K. Johnson & James Wits, ed., *Strategic Intelligence: windows into a secret world*, Los Angeles, Call: Roxbury.
- CISC: Criminal Intelligence Service Canada (2007); *Strategic Early warning for Criminal Intelligence*.
- Preparation of an early Warning System in Denmark (2004); "The Future should not take us by surprise", *International Journal of Technology Assessment in Health Care*, Vol. 20, Issue 3
- Bracken, Paul (2006); *Managing Strategic Surprise Lessons from Risk Management and Risk Assessment*, Yale University, Connecticut.
- Clark, Robert M. (2004); *Intelligence Analysis: A Target-Centric Approach*, Rutledge Press.
- Cavell, Vincent, T. and Mum Power, Jerry (1985); "Risk Analysis and Risk management: An Historical Perspective", *Risk Analysis*, 5 (2), pp: 103-120.
- Graboo, Cynthia, (2010); *Handbook of Warning Intelligence (Assessment the Threat to National Security)*, Forward by Jon Goldman.
- Kuperwasser, Yosef (2007); *Lesson's from Israel's Intelligence Reforms*, Telaviv: SABAN Center.
- Holt, Pat M. (1995); *Secret Intelligence and Public Policy: A Dilemma of Democracy*, Washington: CQ Press.
- National Research Council (1996); *Understanding Risk: Informing Decisions in Democratic Society*, Washington D.C.: National Academy
- Ned Lebow, Richard (1988); *Between Peace and War*, The John Hopkins University Press.

- Russet, M. Bruce (1962); "Cause, Surprise and No Escape", *The Journal of Politics*, Vol. 24, Issue 01, pp: 164-168.
- Crane, Russak & Co. (1978); *Warning and Response: A Study of Surprise Attack in the 20th Century and an Analysis of Its Lessons for the Future*, New York.
- Warren F. Kimball: (2004); *The Juggler: Franklin Roosevelt as Wartime Statesman*, Princeton: Princeton University Press

